

بررسی عوامل بروز حرص در نهج البلاغه

هانیه گودرزی^۱

چکیده

حرص مانند سایر صفات انسانی یک سرمایه الهی است در وجود انسان قرار داده شده تا در مسیر کمال انسان را یاری کند اما از آن جا که امروزه بسیاری کاربرد حرص را در کمال فراموش کرده‌اند و آثار زیانبار حرص زندگی افراد را تحت الشعاع خود قرار داده لذا ضروری است که حرص به عنوان یک سرمایه الهی دوباره یادآوری شود و از آنجاکه تاکنون مقاله یا رساله ای جداگانه در خصوص عوامل به وجود آورنده حرص در زندگی انسان از دیدگاه نهج البلاغه به نگارش درنیامده ضروری دانسته شد در این خصوص پژوهش انجام گیرد. از این رو، با توجه به اهمیت موضوع، هدف اصلی از پژوهش حاضر بررسی عوامل بروز حرص از منظر نهج البلاغه می باشد. که با گردآوری اطلاعات از اسناد نوشتاری، با روش پردازش توصیفی- تحلیلی انجام گرفته است، از جمله یافته ها و دستاوردهای نوشتار حاضر می‌توان به برخی از عوامل مهم در بروز حرص مانند: عدم قانع بودن به داشته ها، دنیاخواهی و دنیا دوستی، هواپرستی و اطاعت از هوای نفس و جهل و ناآگاهی اشاره نمود.

کلید واژه ها: حرص - عوامل - نهج البلاغه.

۱- سطح ۲، حوزه علمیه نرجسیه(س)، نورآباد ممسنی، GOODARZE134646@GMAIL.COM

مقدمه

حرص حالت و صفتی نفسانی است که انسان را به جمع آوری آنچه نیاز ندارد بر می‌انگیزد، بدون آن که به مقدار معینی اکتفا کند. حرص از فروع حب ذات است که برای حق طلبی و کسب نهایت خیر و دفع همه شرور به انسان انگیزه می‌دهد. در واقع صفت حرص وقتی در مسیر صحیح هدایت شده باشد باعث می‌شود انسان از کار خیر سیر نشود و برای کسب هر چه بیشتر رضای الهی و درجات بهشت نهایت تلاش خود را به کار گیرد و همه موانع راه کمال را برطرف نماید؛ از سوی دیگر همین صفت وقتی از مسیر سازنده خارج شود به یکی از رذایل اخلاقی تبدیل می‌شود. و این در صورتی است که انسان خیر خود را در منفعت دنیا می‌بیند و برای کسب دنیا خود را هلاک می‌کند. چنین انسانی آنقدر در طلب دنیا اشتیاق نشان می‌دهد که از هر راهی هر چند خلاف رضای خداوند باشد به جمع مال می‌پردازد و سیری ناپذیری او باعث می‌شود تمام عمر را در این راه صرف کند. این حرص همان حرصی است که در آیات و روایات مذموم و ریشه بسیاری از بد اخلاقی‌ها شمرده شده است.

اهمیت و ضرورت موضوع در این است که از نظر آموزه‌های اسلامی مخصوصاً قرآن و کتب منسوب به اهل بیت از جمله نهج البلاغه عواملی باعث بروز حرص می‌شوند و از آن جا که حرص آثار زیانبار بسیاری برای انسان در بعد فردی و اجتماعی در پی دارد و لذا انسان حریص به هر اندازه از مال دنیا بهره‌مند باشد باز هم احساس فقر می‌کند و برای رهایی از این احساس خود را به زحمت انداخته و به هر کار ذلت‌باری تن می‌دهد. ضروری است که ریشه‌ها و عوامل به وجود آورنده این صفت رذیله اخلاقی را از منظر نهج البلاغه بررسی نمود.

در این راستا نهج البلاغه به عنوان قرآن ساعد، در بردارنده مطالب ارزشمند برای زندگی انسان در همه ابعاد است و در برخی از خطبه‌ها و حکمت‌های آن به عوامل بروز حرص اشاره شده است.

از نظر پیشینه موضوع می‌توان گفت که با مراجعه به سایت‌های نورمگز و ایران داک و... مشخص شد که تاکنون هیچ پایان نامه، مقاله و کتابی تحت عنوان عوامل بروز حرص از دیدگاه نهج البلاغه نوشته نشده ولی برخی مقالات و کتب با عناوین مشابه وجود داشتند که به جهت رعایت اختصار به ذکر برخی از آنها اکتفا می‌شود: (۱) کتاب: «حرص و طمع» تألیف: بهرام رحیمی نژاد، (۲) مقاله: «حرص و طمع و آثار آن»، نوشته: محبوبه محبوب؛ وجه تمایز نوشتار حاضر با این کتب و مقالات در این است که در نوشتار حاضر به بررسی عوامل بروز حرص از منظر دیدگاه‌های حضرت علی در نهج البلاغه پرداخته می‌شود اما در کتب و پژوهش‌های فوق‌الذکر به این امر اشاره نشده و بیشتر به ذکر آیات و روایات در

خصوص حرس اکتفا کرده اند. اکنون سؤال اصلی پژوهش این است که عوامل بروز حرس از دیدگاه نهج البلاغه چه هستند؟ محقق درصدد است با مراجعه به نهج البلاغه به هدف اصلی پژوهش که بررسی عوامل بروز حرس از دیدگاه نهج البلاغه هستند دست یابد.

۱. مفهوم شناسی

در این قسمت از نوشتار مهمترین واژه های پژوهش از نظر لغوی و اصطلاحی تبیین می شوند.

۱-۱. حرس

حرس در لغت مصدری عربی است^۱ و یکی از دو معنای اصلی آن خواستن و تمایل بسیار زیاد به چیزی است. آدر فارسی در برابر آن «آز» و «زیادت جویی» را به کار برده اند.^۲

در اصطلاح حرس از رذایل اخلاقی است به معنای میل شدید به چیزی یا برای به دست آوردن چیزی را حرس می نامند. واژه حرس در احادیث و متون اخلاقی بار معنایی منفی یافته، اما در قرآن بیش تر در همان معنای لغوی به کار رفته است، واژه مترادف حرس، اصطلاحی در قرآن کریم «هَلُوع» است؛^۳ در قرآن واژه حرس پنج بار به کار رفته است، بر اساس آیه ۱۹ سوره معارج خداوند انسان را هلوع آفریده است.^۴ مفسران این واژه را «بسیار حریص و ناشکیبا» معنا کرده اند.^۵

همچنین حرس در اصطلاح عبارت است از تمایل انسان به چیزی که در دست دیگری است و انسان اختیاری در آن ندارد؛ به تعبیری دیگر حرس، تمایل پیدا کردن، شهوت پیدا کردن و علاقه ی شدید نسبت به چیزی اعم از مسائل دنیوی، و مادی و معنوی که در اختیار دیگری است و انسان در آن اختیاری ندارد، حقی هم در آن ندارد، یعنی استحقاق آن را ندارد، ولی به شدت علاقه و میل به او پیدا می کند که آن را به دست بیاورد، لذا سعی می کند تا آن را از دست دیگری درآورد و در اختیار خودش بگیرد، این عمل حرس معنا می شود.

۱- ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ذیل واژه «حرس».

۲- ابن منظور، لسان العرب، ذیل واژه «حرس».

۳- دهخدا، لغت نامه دهخدا، ذیل واژه «حرس».

۴- معارج: ۱۹.

۵- قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ذیل آیه ۱۹ سوره معارج، ج ۵، جزء ۹ و ۱۰.

۶- طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ذیل آیه ۱۹ سوره معارج.

۲-۱. نهج البلاغه

کتاب «نهج البلاغه» مجموعه ای از خطبه‌ها، نامه‌ها و سخنان کوتاه یا کلمات قصار و حکیمانه حضرت علی (علیه السلام) است؛ که در اواخر قرن چهارم توسط سید رضی گردآوری شده است؛ کتاب نهج البلاغه به علت برخورداری محتوایی و بلاغت خاصی که دارد به نام‌های «اخ القرآن» (برادر قرآن) نیز مشهور است و نام‌گذاری شده است. برخی از ادیبان عرب، فصاحت و بلاغت این کتاب را ستوده‌اند. حضرت علی (علیه السلام) در بسیاری از خطبه‌ها، مردم را به انجام دستورات الهی و ترک محرمات دعوت کرده و در بخشی از نامه‌ها که خطاب به فرمانداران است، آنها را به رعایت حق مردم سفارش نموده است.^۳ معیار انتخاب سخنان امام علی (علیه السلام) در این کتاب فصاحت و بلاغت عنوان شده است.^۴ به همین دلیل کتاب نهج البلاغه، به معنای «راه و طریق آشکار بلاغت» نامیده شده است.^۵

۲. برخی ریشه‌ها و عوامل به وجود آورنده حرص

به منظور آگاهی، معرفت بیشتر و پی بردن به ضرر و زیان‌های صفت زشت «حرص و طمع‌ورزی» و عواقب سوء فسادآفرین آن بایستی عوامل و زمینه‌های به وجود آورنده آن را شناخت لذا از آن جا که اندیشه‌های بلند امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و نیز آموزه و سیره عملی این امام همیشه در راستای شناخت عوامل رذایل و فضایل جزء بهترین منابع برای انسان بوده و خواهد بود در این جا نیز باید برای شناخت عوامل بروز حرص به نهج البلاغه مراجعه کرد. لذا در این قسمت از نوشتار به عوامل بروز حرص از منظر نهج البلاغه پرداخته می‌شود.

۲-۱. نارضایتی و عدم قانع بودن به داشته‌ها

حرص و طمع نقطه مقابل قانع بودن است لذا یکی از عوامل ایجاد حرص نارضایتی و عدم قانع بودن به داشته‌های خود است، امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نهج البلاغه حرص را معادل طمع‌ورزی و ولع داشتن و توقع و افزون طلبی بی جا شمرده که مقابل قناعت قرار گرفته است و آن را یکی از

۱- مصطفوی، «معرفی نهج البلاغه»، ص ۲۳.

۲- رشاد، دانشنامه امام علی، ج ۱۲، ص ۱۱.

۳- دین پرور، نهج البلاغه، منشور جاودان، ص ۶۱.

۴- محقق عطاردی قوچانی، شرح نهج البلاغه، ص ۴.

۵- دهخدا، لغت نامه، ذیل واژه «نهج».

زشت‌ترین و بدترین کارهای انسان می‌داند، حضرت علی (علیه السلام) در این باره فرموده: «بدترین چیز حرص ورزیدن و طمع‌کاری است»!

حرص از طریق احساس محرومیت از چیزی ایجاد می‌شود در این صورت فعالیت‌های انسان برای بدست آوردن آن متمرکز خواهد شد. وقتی انسان تحت تاثیر سائقی به فعالیت درمی‌آید تعادل او بهم می‌خورد و وقتی فعالیت او به اوج خود رسید و مثلاً غذا در اختیار وی قرار گرفت مجدداً تعادل حیاتی او برقرار می‌شود. برخی از محرک‌ها هستند که پاسخ مکرر به آنها زندگی انسان را مختل می‌کند مثل احتیاج به محرک‌های مادی غیرضروری که همه نیروهای درونی و بیرونی انسان را در جهت رفع آنها به کارگرفته و زندگی را از تعادل خارج می‌سازد. لذا حضرت علی (علیه السلام) نقطه مقابل و مانع قناعت را رذیله اخلاقی حرص دانسته و برای رسیدن به قناعت، ریشه‌کنی حرص را گام نخست شمرده است و فرموده است که: «قناعت به دست نمی‌آید مگر اینکه حرص ناپود شود».^۲

از دیدگاه حضرت علی حرص صفتی است که موجب می‌شود انسان به گردآوری دارایی بیش از نیاز بپردازد. امام علی (علیه السلام) به مردی که از او درخواست موعظه داشت فرمود: «مانند کسی مباش... اگر دنیا را به او بدهند، سیر نمی‌شود، و اگر به او نرسد، قناعت نمی‌کند»^۳؛ امام علی (علیه السلام) در این جا طالب پند و موعظه را از صفات ناپسند باز می‌دارند که از آن جمله حرص است: «سیر نشدن از هر آن چه که به او عطا کنند و آن صفت پست حرص و آز است. و قناعت نکردن به هنگام نرسیدن مال، و این همان صفت ناپسند کاستی از فضیلت قناعت است».^۴

لذا اگر انسان به آنچه می‌خواهد نرسد دچار نارضایتی می‌شود و چنین انسانی هیچ‌گاه به داشته‌های خود قانع نیست، بسیاری از هیجان‌ها که بعد از بلوغ انسان بروز بیشتری دارد حاکی از برانگیخته شدن آن هیجان در دوران قبل از بلوغ است. مثلاً حرص انگیزه خودنمایی و تصاحب است که در جوامع اسلامی داشتن این انگیزه ناهنجار شناخته شده است و اولیای کودکان با صفت حرص فرزندان خود مخالفت می‌کنند انگیزه پرخاشگری که در بسیاری از جوامع دیده می‌شود معمولاً در مواقعی است که فرد از خواسته‌های خود محروم است یا ارضای احتیاجاتش به تعویق افتاده است، ولی

۱- تمیمی آمدی، غررالحکم، ج ۱، ص ۳۲۱.

۲- تمیمی آمدی، غررالحکم، ج ۵، ص ۶۶.

۳- سید رضی، نهج البلاغه، حکمت ۱۵۰؛ «لَا تَكُنْ مِمَّنْ ... إِنْ أُعْطِيَ مِنْهَا لَمْ يَشْبَعْ وَإِنْ مَنَعَتْ مِنْهَا لَمْ يَقْنَعْ».

۴- ابن میثم، ترجمه و شرح نهج البلاغه، ج ۵، ص ۵۵۶.

چیز همانند حرص و ورزیدن و طمع کاری، شخصیت انسان را فاسد و تباه نمی‌کند»^۱.
امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: آن کس که (به اطاعت از هوای نفس) از دنیا زیاد برداشت به درویشی محکوم است و آن کس که (با اطاعت از عقل) خود را بی‌نیاز دانست در آسایش است.^۲ با اسارت انسان در زندان هوای نفس و فرورفتن در باتلاق دنیاپرستی، عقل و اندیشه قادر به گواهی دادن بر صحت و سقم قضایا نخواهد بود. لذا ثروت‌اندوزی و تنوع‌طلبی افراطی در نظر چنین شخصی عزت و افتخار به‌شمار می‌رود. غافل از اینکه سوق دادن روح به خواسته‌های نفس و رهاکردن افسار آن او را به دنیای حیوانی کشانده و انسان پاک سیرت ملکوتی در چنین دنیایی در احساس ناامنی اضطراب، نابود می‌شود.

۴-۲. جهل و ناآگاهی

یکی دیگر از عوامل بروز حرص و طمع در وجود انسان جهل و ناآگاهی است؛ طبق نظر امام علی (علیه السلام) نتیجه سائقه‌های حرص و طمع، نابودی و کشتار خرد و عقل است. در نهج البلاغه آمده‌است: «بیشتر کشتارگاه خرد زیر برق شمشیر حرص و آزمندی است».^۳ انسان وقتی علم و عقل داشته باشد مسلم است که از آثار خوب قناعت آگاهی دارد و آثار مخرب حرص را نیز می‌شناسد لذا با تکیه بر عقل و خرد قناعت پیشه می‌کند و انسان قانع می‌تواند بر هیجان مخرب حرص فائق آید و زندگی آرام و آسوده‌ای بسازد. چرا که در این صورت عقل و خرد، او را به نیازی واقعی سوق داده و نیاز فراتر از نیاز واقعی را مضموم می‌شمارد به این دلیل انگیزه‌ای برای طمع‌ورزی و ایجاد حرص از شخص قانع ایجاد نمی‌گردد. به تعبیر امام خمینی (ره): «چون حقیقت حرص، عبارت است از شدت طوفان نفس به دنیا و شئون آن و کثرت تمسک به اسباب و توجه قلب به اهل دنیا و کثرات لازمه آن است و خود آن لازم جهل به مقام مقدس حق و عطف و رحمت آن است پس چون متشبث به آنها شود - عملاً و قلباً - پس منقطع از حق گردد. پس طمأنینه و وثوق از نفس برود و اضطراب و تزلزل جایگزین آن گردد».^۴

رهاشدن بی‌قید و بند در هوا و هوس، عقل و هوش را زایل می‌کند و عدم تعادل در محاسبات فکری

۱-دشتی، ترجمه نهج البلاغه، ص ۷۱۷.

۲-همان.

۳-سید رضی، نهج البلاغه، حکمت ۲۱۹؛ «اکثر مصارع العقول تحت بروق المطامع»

۴-خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل؛ ص ۲۱۷.

و روحی، انسان را در کشمکش‌های دائمی درونی قرار می‌دهد، و جهل و ناآگاهی انسان را به سمت حرص و طمع ورزی می‌کشاند. انسان به اینکه چه میزان اهل قناعت است و چه میزان اهل حرص به لذت‌ها و نعمت‌های دنیاست، به‌خوبی آگاه است لذا انسان عاقل با آگاهی و شناخت از خود به اصلاح نفس خود می‌پردازد؛ توانایی‌ها و انرژی‌های درونی را تقویت می‌کند و تصمیمات درست و معقول اتخاذ می‌کند. اما انسان جاهل بیشتر در حرص غرق می‌شود.

از دیدگاه حضرت علی (علیه السلام) در نهج البلاغه آمده است که عقل و دانایی، باعث قناعت‌جویی و جهل و ناآگاهی باعث بروز حرص است. عقل سلیم موجب می‌شود انسان، از تعالیم ناب و حیانی کناره‌نگیرد و بسوی القائنات شیطانی منحرف نشود لذا عزت و شرف انسانی خود را در همه حال حفظ کرده، با بیداری عقل زمینه را برای قناعت فراهم می‌کند و در برابر مطامع و لذت‌های دنیایی تن به ذلت نخواهد داد؛ چنانچه حضرت می‌فرماید: «آنکه تعقل می‌کند همو قناعت‌پیشه است.»^۱

از نشانه‌های شخص عاقل آن است که دنیا را ترک می‌کند قبل از آنکه دنیا او را ترک کند.^۲ آگاهی و خردمندی پرده‌های جهل را پاره می‌کند و حقایق را نمایان می‌سازد. تعقل یکی از راه‌هایی است که انسان را به علم و یقین می‌رساند و آن‌چنان که بزرگان یقین را عامل آرامش روحی و روانی می‌دانند.^۳ اساس کلام علوی خردمندی که به دیده دل می‌نگرد و از روی بصیرت کار می‌کند باید بداند که آنچه می‌کند به زیان اوست یا به سود او، اگر به سود او بود سزاوار است که آن را پی‌گیرد و اگر به زیان او بود از انجام آن بازایستد زیرا هرکس که بدون علم و آگاهی، دست به عملی زند چونان کسی است که بیرون از راه گام می‌زند که هرچه بیشتر رود بیشتر از هدف دور گردد.^۴

۱ - تمیمی آمدی، غررالحکم، ج ۵، ص ۱۵۰ «من عقل قنع».

۲ - ابن ابی‌الحدید، شرحی بر نهج البلاغه، ص ۱۹.

۳ - آلوسی، روح المعانی، ج ۱، ص ۱۶۵.

۴ - دشتی، ترجمه نهج البلاغه، ص ۲۸۶.

نتیجه گیری

در مجموع می توان موارد زیر را از این مقاله نتیجه گرفت : حرص عبارت است از حالت و صفتی نفسانی که انسان را به جمع آوری آنچه نیاز ندارد برمی انگیزد. حرص از فروع حب ذات است که برای حق طلبی و کسب نهایت خیر و دفع همه شرور به انسان انگیزه می دهد. در واقع صفت حرص وقتی در مسیر صحیح هدایت شده باشد باعث می شود انسان از کار خیر سیر نشود و برای کسب هر چه بیشتر رضای الهی و درجات بهشت نهایت تلاش خودش را به کار گیرد و همه موانع راه کمالش را برطرف نماید؛ از سوی دیگر همین صفت وقتی از مسیر سازنده اش خارج شود به یکی از رذایل اخلاقی تبدیل می شود.

اهمیت و ضرورت موضوع در این است که از نظر آموزه های اسلامی مخصوصا قرآن و کتب منسوب به اهل بیت از جمله نهج البلاغه عواملی باعث بروز حرص می شوند و از آن جا که حرص آثار زیانبار بسیاری برای انسان در بعد فردی و اجتماعی در پی دارد و لذا انسان حریص به هر اندازه از مال دنیا بهره مند باشد باز هم احساس فقر می کند و برای رهایی از این احساس خود را به زحمت انداخته و به هر کار ذلت باری تن می دهد.

به منظور آگاهی، معرفت بیشتر و پی بردن به ضرر و زیان های صفت زشت «حرص و طمع ورزی» و عواقب سوء فساد آفرین آن بایستی عوامل و زمینه های به وجود آورنده آن را شناخت لذا از آن جا که اندیشه های بلند امیرالمومنین علی (علیه السلام) و نیز آموزه و سیره عملی این امام همیشه در راستای شناخت عوامل رذایل و فضایل جزء بهترین منابع برای انسان بوده و خواهد بود در این جا نیز باید برای شناخت عوامل بروز حرص به نهج البلاغه مراجعه نمود. برخی از عوامل مهم در بروز حرص از دیدگاه نهج البلاغه عبارتند از : ۱. نارضایتی و عدم قانع بودن به داشته ها ۲. دنیاخواهی و دنیا دوستی ۳. هواپرستی و اطاعت از هوای نفس و ۴. جهل و ناآگاهی .

فهرست منابع

*قرآن کریم، انصاریان، حسین، ۱۳۹۳، تهران، نشر تلاوت، چاپ دوم
* سید رضی، ابوالحسن، نهج البلاغه، قم: مرکز نشر کتب اسلامی، ۱۴۰۸.

الف) منابع فارسی:

۱. ابن میثم بن علی بن میثم، بحرانی، ترجمه شرح نهج البلاغه، مترجم: قربانعلی محمدی مقدم-علی اصغر نوایی یحیی زاده، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵.
۲. خمینی، روح الله، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۰.
۳. جعفری، محمدتقی، شرح نهج البلاغه، تهران: نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰.
۴. جوادی آملی، عبدالله، حکمت نظری و عملی در نهج البلاغه، تنظیم و تدوین حسین شفیعی، قم: اسراء، ۱۳۷۸.
۵. حسنی، سید مجید، گناه و ناپهنجاری، قم، الغدیر، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۶. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، قم: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین، ۱۳۸۴.
۷. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران: نشر دانشگاه، ۱۳۷۴.
۸. رشاد، علی اکبر، دانشنامه امام علی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۹. سروش، محمد، استکبار و استضعاف در قرآن، قم: نشر نمایندگی ولی فقیه در سپاه، چاپ اول، بی تا.
۱۰. محقق عطاردی قوچانی، عزیز الله، شرح نهج البلاغه، تهران: بنیاد نهج البلاغه، ۱۴۱۳ ق.
۱۱. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، تهران: نشر کتب اسلامی، ۱۴۰۷.
۱۲. دنیا و آخرت از نگاه قرآن و حدیث، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۴

ب) منابع عربی:

۱۳. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، تحقیق ابوالفضل ابراهیم، دارالاحیاءالکتب العربیه، چاپ دوم، ۱۳۸۷

۱۴. ابن فارس ، معجم مقاییس اللغه ، بیروت : دارالاحیاء التراث العربیه، ۱۴۰۸هـ.ق.
۱۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، ۱۹۹۶
۱۶. آلوسی، محمود ، روح المعانی ، بیروت: دارالکتب العلمیه ، ۱۴۲۰.
۱۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، شرح محمد خوانساری، مقدمه میرجلال‌الدین حسینی «محدث»، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
۱۸. طبری، محمد ، جامع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصرخسرو، ۱۳۷۲ ه.ش
۱۹. عاملی، محمدبن حسن ؛ وسائل الشیعه ، قم: نشر دار العلم، ۱۴۰۹.
۲۰. قرطبی، محمدبن احمد، الجامع لاحکام القرآن، چاپ افست، تهران، ۱۳۶۴ش
۲۱. نراقی، محمدمهدی، جامع السعادات، ترجمه سید جلال‌الدین مجتبیوی، تهران: حکمت، ۱۳۸۵

ج) مقالات

۲۲. دین پرور، محمد، «نهج البلاغه، منشور جاودان»، فصلنامه پژوهش‌های نهج‌البلاغه، شماره ۲ و ۳، زمستان ۱۳۸۰ش
۲۲. مصطفوی، سید جواد، «معرفی نهج‌البلاغه»، مشکات، شماره ۴۰۱، پاییز ۱۳۶۱ش